

در شهر «کان» کارگران «ژانت» کارخانه خود را اشغال کردند و بدون کارفرما تولید می کنند!

ترجمه: مصی ش.

شرح گذراندن یک بعد از ظهر با کارگران!

مدت سه هفته است (از ۲۰ فوریه) که کارگران کارخانه ژانت، در کانون توجه رسانه‌ها قرار دارند. چرا که ۳۰ کارگر زن و مرد این کارخانه کوچک (مادلن شهر کان) کارخانه را بدون کارفرما اداره می کنند. کارگران ژانت در این کارخانه هر یک بین ۳۰ تا ۴۰ سال سابقه کار دارند. در این مدت، [گزارشگران] کانال یک تلویزیون فرانسه و کانال خبری «ب.اف.ام» توسط کارگران پذیرفته شدند. در واقع کارگران تصمیم گرفتند کارخانه را اشغال کنند تا بدین صورت مانع بسته شدن آن شوند.

سه شنبه ۱۱ مارس، ما تصمیم گرفتیم از راه پاریس و «رن» به دیدارشان برویم. برای درک بهتر تجربه‌هایشان و هم چنین برای اینکه حمایت و پشتیبانی خودمان را به ایشان اعلام کنیم.

گشت و گذاری در کارخانه

به محض ورودمان، کارگران به ویژه کاترین و ژان ژاک به گرمی از ما استقبال کردند. کاترین ۳۹ سال و ژان ژاک بیش از ۳۰ سال در بخش انبار و پذیرش سفارش سابقه کار دارند، بدین خاطر، هر دو راهنماهای بسیار ارزنده‌ای برای شناساندن کارخانه به ما بودند. تمام خط تولید، از تابلوی مرکزی سفارش گلوکز (قند)، تخم مرغ و آرد گرفته تا ماشین برای بسته بندی را به ما نشان دادند. به طور مشخص مسیری که طی می شود، به قرار زیر است: ابتدا آرد به خمیر تبدیل شده و در تُوغار قرار داده، سپس در قالب‌ها چیده می شود. قالب‌ها به کوره فرستاده، پس از آن در برج خنک کننده چرخ داده می شوند و در انتها بسته بندی می گردند. تمام این دستگاه‌ها پابرجا هستند و کارآیی دارند. آخرین سرمایه گذاری‌ها در سال ۲۰۱۲ در حالی صورت گرفته است که کارفرمایی جدید برای چندمین بار تلاش داشته تا تولید را کمی متنوع کند. کارخانه ظرفیت تهیه حداکثر ۲۰ تَن محصول را در روز دارد، توانی که به او این اجازه را می دهد که نه تنها از فرانسه، که همچنین از الجزایر، روسیه و چین و حتی ایتالیا سفارش قبول و تامین کند.

بازدید ما فرصتی فراهم می‌کند تا بهتر متوجه شویم چه شرایطی باعث وضعیت جدید کارخانه شده است. *ژان ژاک* توضیح می‌دهد که چگونه تولید برای سوپرمارکت‌ها، به ویژه برای لوکلرک، با کم کردن ۱۰ سنت از فروش هر بسته *کیکِ مادلن*، که با برچسب «برنده جایزه» فروخته می‌شد، باعث سقوط کارخانه شد. یکی از بازاریاب‌های سوپرمارکت لوکلرک جدیداً نقل کرده است که [این شرکت] به واسطه‌ی شرکت *ژانت* درآمد میلیونی کسب کرده است. به نوعی می‌شود گفت که لوکلرک این درآمد [میلیونی] را از دسترنج کارگران، آن هم در بخشی که حقوق آنان نسبت به بخش‌های دیگر صنعت کمتر است، کسب کرده است.

کمی بعد، در گفتگو با کارگران در راهروی ورودی کارخانه (جایی که محل تشکیل جلسات و هم چنین مکان غذاخوری اعضای اشغال‌کننده می‌باشد) مطلع می‌شویم که شش کارفرما، هر کدام با برنامه و نقشه‌های خود برای اخراج کارگران شرکت از سال ۱۹۸۶ تعویض شدند. قبل از این تاریخ در شرکت *ژانت* ۴۰۰ نفر در دو محل تولید کار می‌کردند که از آن تعداد تنها ۳۷ نفر در ماه ژانویه امسال در آخرین برنامه واگذاری شرکت در کارخانه کار می‌کردند.

کسانی که امروز برای باز نگاه‌داشتن کارخانه می‌جنگند، اتحاد کارگری بسیار محکمی تشکیل دادند؛ این را فضای حاکم بر کارخانه به خوبی به ما نشان می‌دهد. همه کارگران *ژانت* در روز ۲۸ ژانویه رسماً اخراج شدند؛ مثل دستمال کاغذی به دور انداخته شدند. در حالی که میلیون‌ها *کیکِ مادلن* تولید کرده‌اند و با سودآوری فراوان در چهار گوشه جهان فروخته‌اند. به دنبال برخی طرح‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌ها، تعداد کارگران کاهش شدیدی یافت. برای مثال، در بخش انبار و سفارش، تعداد کارگران از چهار به دو، و سپس از دو به یک‌ونیم رسیده است، چرا که *فرانک* -از همکاران *ژان ژاک*- یک دستش در نتیجه‌ی کار فلج شده و در انبار کار می‌کند. کاترین هم برای ما تعریف کرد که سلامتی‌اش را با مرور زمان از دست داده است و هم اکنون با وجود بیش از ۲۰ سال کار در شرکت، به‌عنوان نظافت‌چی کار می‌کند.

اشغال، روشی برگزیده از سوی کارگران برای دفاع از شغل‌شان

در دسامبر گذشته، کارگران شرکت مطلع می‌شوند که تقاضای کارفرمایشان مبنی بر گرفتن وامی از بانک اعتبار کشاورزی رد شده و او تصمیم به بستن کارخانه گرفته است. در شرایط بحران اقتصادی و وجود صدها نقشه برای اخراج کارمندان و کارگران، کارفرما می‌خواست که تعداد کارکنان را در راستای منافع‌اش و به قیمت نابودی ده‌ها خانواده کاهش دهد. شورش کارگران بنا بر گفته خودشان، از اعتراض به مقدار ناچیز و

مضحک بیمه بیکاری که کارفرما برایشان در نظر گرفته بود، شروع شد. سپس زمانی که آنان متوجه شدند که کارفرما قصد حراج ماشین‌آلات را دارد، شورش رادیکال‌تر شد. به بیانی دیگر، کارفرما قصد فروش شرکت را داشته است. فروش شرکت، در واقع چیزی نیست جز فروش دارایی کارگران *ژانت*. واگذاری شرکت، به‌طور رسمی در تاریخ ۲۱ فوریه در نظر گرفته شده بود. در ۲۰ فوریه این خبر در یک روزنامه محلی چاپ شد. در واقع این ترند کثیفی بود با هدف غافل‌گیر کردن کارگران. ولی خلاف آنچه فکر می‌کردند اتفاق افتاد و مدیریت و ناظر اجرایی‌اش غافلگیر شدند. صبح ۲۰ فوریه، کارگران در کارخانه سنگربندی کردند. کارگران کلید و قفل را که مامور اجرایی ثبت تخلیه شرکت واگذاشته بود، به‌دست می‌آوردند و تصمیم می‌گیرند برای دفاع از شغل‌شان جلوی کرس‌ها بایستند. افسوس برای خریدارانی که گاهی از راه‌های دور (برای مثال از بلغارستان) می‌آیند، و به درک برای کارفرما!

اشغال کارخانه هم‌اکنون [تا ۱۱ مارس روز تهیه این گزارش، مترجم] سه هفته است که ادامه دارد و تا اطلاع ثانوی ادامه خواهد داشت. کارگران روز و شب برای جلوگیری از دام‌های احتمالی، به تناوب نگرهبانی می‌دهند، هر یک در یک تابلو، زمان‌هایی را که می‌توانند نگرهبانی دهند، یادداشت می‌کنند. برای ادامه این تجربه و در مقابل حملات بخش مدیریت و نماینده قانونی مسئول انحلال، کارگران باید بتوانند از خودشان دفاع کنند. برای مثال هفته قبل یک مامور اجرایی را جهت قطع گاز کارخانه فرستادند، اما کارگران به موقع کشف کردند که از خارج محوطه کارخانه می‌توانند به گاز دسترسی پیدا کنند و درب دسترسی به آن را که درامداد جاده‌ایست که شرکت در آن واقع است، سیمان کردند. علاوه بر آن با پارک وسایل نقلیه آن محل را غیرقابل دسترس کردند. مامور اجرایی قطع گاز، با شرمندگی و بدون انجام خدمتی که به او سپرده شده بود مجبور به ترک محل شد. که البته این عمل (تقاضای قطع گاز) با توجه به اینکه ۱۱ تن از کارگران عضو کمیته کارخانه هنوز اخراج نشده‌اند، عملی غیر قانونی است. اکنون کارگران *ژانت* می‌ترسند که مدیریت برق شرکت را قطع کند؛ چرا که می‌دانند کارفرمای قبلی عجله دارد آنان را از آنجا بیرون کند؛ و همچنین شایعاتی مبنی بر وجود طرحی برای یک پروژه مسکونی در محل این کارخانه شنیده می‌شود.

با عمل تسخیر کارخانه، کارگران *ژانت* تصمیم گرفتند که خواسته‌های بالاتری داشته باشند که این خواسته‌ها از اعتراض به کم بودن حق بیمه و یا دفاع از شغل‌شان گذر کرده و با این عمل به ما پیام قاطعیت و داشتن عزمی راسخ را می‌رسانند. این امر می‌تواند برای ده‌ها کارمند و کارگر که بیکاری تهدیدشان می‌کند، الهام‌بخش باشد. جالب‌تر اینکه، اکثریت کارگران *ژانت* به سن بازنشستگی نزدیک هستند و این نبردشان می‌تواند دفاع از نسل‌های جوان‌تر هم تعبیر شود. البته باید منتظر شویم تا ببینیم نتیجه چه خواهد بود. این

هفته قرار است که سه خریدار بالقوه به بازدید کارخانه بیایند. ولی آنچه که مسلم است، این است که همه شرایط لازم برای اینکه این نبرد به یک نبرد نمونه تبدیل شود، وجود دارد.

تولید بدون کارفرما و با حمایت مردمی

اولین شرط ضروری برای اینکه این نبرد را نمادین سازد، جسارت و جرات کارگران ژانت است که در ۱۵ روز اخیر با نشان دادن روش‌های انقلابی، دوبار سعی در راه اندازی تولید کیک مادلن کردند. روز ۲۸ فوریه، یک ساعت کافی بود برای اینکه ۲۵۰۰۰ کیک که شب گذشته از اجاق بیرون آمده بود، به فروش رسد. ششم مارس، مردم بیش از ۱۱۰۰۰۰ مادلن را در شهر «کان» در بازار «نجات‌دهنده مقدس» با علاقه و اشتیاق خریدند؛ و این یعنی یک موفقیت بزرگ برای روحیه کارگران ژانت. کاترین برای مان گفت: در شرایط عادی هم برخی از عصرها کارگران در حالی که مدیریت شرکت را ترک کرده بود، در آنجا می ماندند و کار می کردند. البته تولید در شرایط اشغال کارخانه و در مقابل دوربین‌های خبری اصلا ساده نبود. دو تجربه موفق فروش مستقیم ثبت شده است. و ژان ژاک برای مان تعریف کرد به عنوان مسئول پذیرش سفارش در هر دو مورد، همه چیز حتی با وجود دو ماه خاموشی تنورها بسیار خوب پیش رفته است، و این نشان می دهد که کارگران می توانند بدون کارفرما تولید کنند و از این امر خرسند و سربلند باشند.

دومین شرط که نقطه‌ی قوت این نبرد است، پشتیبانی مردمی است که باعث مسرت است. چند بار در روز، مردم به کارخانه می آیند (در می زنند) و می پرسند: آیا می توانند مادلن بخرند؟ اتومبیل‌ها هنگام عبور از جلوی کارخانه، برای نشان دادن حمایت خودشان بوق می زنند. مطبوعات محلی سعی در پخش خبرها و نوشتن گزارش‌هایی از بازار و صحبت با مردمی که برای خرید مادلن همدیگر را هل می دهند، و یا از احساس غرور خودشان نسبت به کارگران ژانت سخن می گویند و می نویسند. مردم شهر «کان»، این شرکت را دارایی مشترک شان می دانند به گونه‌ای که هم کارگران و هم تولید به همه مردم شهر تعلق دارند...

این یک نقطه مهم و ارزشمند است که کارگران ژانت جهت ملی کردن یا محلی کردن شرکت، می توانند بر آن تکیه کنند، تا با اطمینان بیشتری تولید و فروش را در کارخانه‌ای که تحت کنترل شان گرفته‌اند ادامه بدهند. بدین ترتیب شغل همه کارگران حفظ می گردد، البته با تعهد تامین کیک مورد نیاز تغذیه مدارس و شهرداری و تمام محل‌های تغذیه عمومی شهر.

بازتاب روح همبستگی با کارگران ژانت، شهردار سوسیالیست «کان» را بر آن داشت که خودی نشان دهد و سروکله‌اش در کارخانه آفتابی شود. البته این مسئله بیشتر می‌تواند یک نوع حساب‌گری انتخاباتی باشد. شهردارهای «کان» و «موندویل» به تناوب برای اشغال‌کنندگان بسته‌های غذایی تهیه می‌کنند. پوشش رسانه‌ای درگیری کارگران ژانت با ریاست شرکت تاثیر زیادی روی افکار عمومی داشته‌است. فلورانس اوبونا^۱ یک روز را با کارگران شرکت ژانت گذراند. البته بیشترین حمایت از کانال «ت.ژت» بود که صندوق‌هایی [کمک مالی] در واحدهای مختلف برای حمایت از اشغال‌کنندگان جمع کردند. امروز عصر، ما یکی از کارگران سابق کارخانه مولی‌نکس، یکی دیگر از نمادهای مقاومت این منطقه در سال ۲۰۰۱، را ملاقات کردیم؛ هم چنین رفقای اتحادیه‌های پوشش کمک‌های بیمه اجتماعی و کمک هزینه خانواده، کارگران سازمان برق فرانسه و کارکنان مرکز کاریابی و... با توجه به محبوبیت کارخانه و مقاومت فعلی، می‌توان تصور کرد که این امکان وجود دارد که حلقه‌ای قدرتمند حول این مقاومت همراه با حرکت سندیکایی محلی، با حمایت ساکنین و هم‌چنین با دانشجویان دانشگاه «کان» که ترم قبل علیه کمبود بودجه می‌جنگیدند، ساخته شود. آنچه می‌شد بلافاصله انجام داد، فرستادن یک پیام همبستگی بود، ما از فرصت استفاده کردیم و از کارگران خواستیم که یک تبریک ویدئویی برای رفقای هم طبقه خود، کارگران دونات پانریکو در اسپانیا که از پنج ماه و نیم پیش علیه طرح‌های بیکاری در اعتصاب به سر می‌برند، بفرستند. در این پیام ویدئویی، کارگران ژانت برای رفقای اعتصابی خود از مبارزه خودشان گفتند و آنان را برای ادامه مقاومت و اعتصابشان با عزمی راسخ، تشویق کردند.

ما به سهم خودمان به کارگران ژانت پیشنهاد کردیم، اگر حرکت ادامه پیدا کرد یک‌های مادلن را جهت مردمی کردن این حرکت در محیط‌های دانشجویی به فروش برسائیم و درباره این مقاومت خبررسانی بکنیم.

گزارشی از گیوم لویک، به تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۴

* * *

توضیح مترجم: این گزارش در شماره ۱۲ نشریه «انقلاب مداوم» (بهار ۲۰۱۴) به چاپ رسیده است.

1. خبرنگار لوموند، که در سال ۲۰۰۵ هنگام تهیه گزارشی در بغداد به گروگان گرفته شد و پس از ده ماه آزاد شد. [مترجم]